



سیره فلسفی شهید مطهری چراغ رهروان وادی اندیشه است

محمد فنایی اشکوری با بیان اینکه شهید مطهری فلسفه را در خدمت حل مسائل فکری مستحذته بکار می‌گرفت، گفت: سیره فلسفی مطهری چراغ رهروان وادی اندیشه است.

محمد فنایی اشکوری با بیان اینکه شهید مطهری فلسفه را در خدمت حل مسائل فکری مستحذته بکار می‌گرفت، گفت: سیره فلسفی مطهری چراغ رهروان وادی اندیشه است.

به گزارش خبرنگار آیین و اندیشه خبرگزاری فارس شهید مطهری هم در تدریس متون سنتی فلسفه اسلامی چیره دست بود، هم در تألیف آثار، هم در نوآوری و هم در فهم و تحلیل و نقادی فلسفه‌های دیگر. مطهری یک نقطه عطف در تفکر و ادبیات فلسفی در ایران است. پیش از او آثار فلسفی بسیار تخصصی بوده و در محدوده اقلیت بسیار کوچکی مورد توجه واقع می‌شد. طرح تطبیقی مباحث فلسفی از دیگر ویژگی‌های فلسفه‌ورزی مطهری است، او به جهت آشنایی با برخی از فلسفه‌های غربی از کسانی است که نخستین قدم‌ها را در طرح تطبیقی مباحث فلسفی برداشته است. در گفت‌وگویی با محمد فنایی اشکوری، دیدگاه‌های شهید مطهری را در مورد فلسفه و کلام اسلامی را بررسی کردیم که تقدیم می‌شود:

* نگاه شهید مطهری به فلسفه و کلام اسلامی چه‌گونه بود؟ آیا آن‌ها پاسخ‌گویی نیاز معاصر می‌دانست؟

– او با اینکه فیلسوفی صدرائی بود، اما استقلال رأی داشت و نقد اندیشه‌ها پیشه او بود. او حتی برخی از آراء استاد بسیار محبوب و مورد احترامش علامه طباطبائی را نیز مورد نقادی قرار می‌داد. مثلاً او در بحث اعتباریات رأی علامه را نقد و نظری متفاوت با نظر علامه اتخاذ می‌کند.

مطهری کلام سنتی را قادر به تبیین و دفاع از باورهای دینی نمی‌داند. ولی فلسفه الهی اسلام را در این زمینه بسی تواناتر می‌داند، امتیاز متکلمانی مثل نصیر الدین طوسی را در تفکر فلسفی آنها می‌داند، او می‌کوشد کلامی عقلانی با استفاده از میراث اسلامی و معارف امروزی تأسیس کند.

مطهری برخلاف برخی از فیلسوفان سنتی، که فلسفه را محبوس در متون سنتی آن می‌بینند، فلسفه را در خدمت حل مسائل فکری مستحذته بکار می‌گیرد و از روش فلسفی به عنوان روشی برای حل مسائل فکری در عرصه‌های مختلف بهره می‌گیرد، او هم به خود فلسفه اسلامی فی نفسه توجه عمیق دارد و هم از آن برای تبیین و دفاع از باورهای خود و نقد اندیشه‌های مخالف استفاده می‌کند. با همه امتیازاتی که در تفکر و فلسفه‌ورزی مطهری هست، اما از نظر اصول تفکر فلسفی مطهری مانند دیگر فلاسفه اسلامی معاصر می‌اندیشد و اختلاف بنیادی با آنان ندارد. برخی از این اصول تفکر عبارتند از واقعیت‌گرایی، اعتبار منطق ارسطویی-سینوی، خدامحوری، قول به امکان معرفت، نفی نسبیت معرفت، نفی ماده گرایی و حس گرایی و اعتقاد به اعتبار روش‌های مختلف معرفت (حسی، تجربی، عقلی، شهودی و عرفانی). او نیز فیلسوفی صدرائی است و به تبع ملاصدرا قائل به اصالت وجود، تشکیک وجود، حرکت جوهری، تجرد و بقاء نفس است؛ هرچند در بسیاری از مسائل تقریر ویژه خود را دارد و در برخی مسائل فرعی نیز دارای آراء خاصی است.

لذا به نظر بنده هرچند مطهری آراء جدید و بدیعی دارد که قابل توجه و بحث است، اما برای علاقمندان به فلسفه توجه به سیره فلسفی مطهری، شیوه تفکر فلسفی و فلسفه پژوهی او سودمندتر از جستجو در آراء فلسفی اوست. سیره فلسفی او می‌تواند چراغی باشد برای رهروان وادی اندیشه که افق‌های پیش رو را روشن تر ببینند و با سرعت و دقت بیشتری گام‌های نو را بردارند.

* شهید مطهری منابع فلسفه اسلامی را چگونه تبیین می‌کند؟

– مطهری اذعان دارد که فلسفه اسلامی دنباله فلسفه یونانی است که در قرون دوم و سوم هجری توسط برخی از مسیحیان و مسلمانان به عربی ترجمه شد. بنابراین می‌توان گفت مسلمین دوازده قرن است که «حیات فلسفی» دارند. اما «حیات عقلی» مسلمانان همراه با ظهور اسلام است و چهارده قرن سابقه دارد. قبل از ترجمه آثار فلسفی یونانی و اسکندرانی مسلمانان به توصیه قرآن و پیشوایان دین درباب مسائل بنیادین هستی به تفکر می‌پرداختند. آنها با تکیه بر این میراث عقلانی توانستند فلسفه را به نحو کمی و کیفی متحول سازند.

از نظر مطهری فلاسفه مسلمان از تعالیم اسلامی بویژه قرآن و روایات برای تصحیح و تکمیل فلسفه سود جستند، اقبال مسلمانان به تفکر و مطالعه موجب ظهور مشرب‌های مختلف فکری در جهان اسلام شد، مانند علم کلام، تصوف، فلسفه مشائی، اشراقی و حکمت متعالیه. یکی از عوامل رشد و توسعه فلسفه اسلامی پرسش‌هایی بود که متکلمان اسلامی در فهم و تبیین عقاید اسلامی طرح کردند. از این رو بسیاری از مسائل جدید در فلسفه اسلامی ریشه در مباحثات متکلمان دارد.

* مطهري از میان سه گرایش مبنایی در فلسفه، یعنی مشاء و اشراق به کدام يك علاقه‌مندتر است؟

– مطهري در همه مشرب هاي فكري اسلامي قديمي راسخ دارد، اما بيش از همه دلبسته حکمت متعالیه است. از نظر او حکمت متعالیه دربردارنده همه روش هاي اصلي در تحصیل معرفت است و اوج کمال فلسفه است
مطهري در جاي ديگر نه علم کلام، بلکه معارف اسلامي را يکي از چهار نهر سيراب کننده فلسفه ملاصدرا مي داند. از نظر وي، ملاصدرا راه‌هاي عقل و وحی و مکاشفه را به هم متصل کرد. ملاصدرا بيش از اينکه آراء متکلمان را برگيرد به نقد آنها پرداخته است.

* برخي از معاصرین همچون مصطفي ملکيان، فلسفه اسلامي را «کلام» قلمداد کرده‌اند، آیا شهيد مطهري در اين زمینه دیدگاه خاصی دارند که جواب‌گوي نیاز الان باشد؟

– مطهري با اين نظر مخالف است که فلسفه اسلامي بتدريج به سمت کلام گراييد، از نظر او بايد گفت که کلام بتدريج تسليم فلسفه و در نهايت در آن هضم شد. فلسفه اسلامي حتي يك قدم به سمت کلام نرفت. تأثير کلام بر فلسفه از جهت تشکیکاتي است که متکلمان طرح کردند و در پي آن فلاسفه به چاره جويي و يافتن راه حل پرداختند، نه اينکه فلاسفه آراء متکلمان يا روش آنها را پذيرفته باشند.

* برخي فلسفه متعالیه را، فلسفه‌اي ابتکاري و صاحب رأي ندانسته‌اند، بلکه آن را مجموعه اقوال اندیشه‌هاي تلقي کرده‌اند، نظر شهيد مطهري در اين مورد چیست؟

– شهيد مطهري، دقيقاً خلاف اين ایده را قبول دارد که در دهه معاصر توسط برخي از اندیشمندان بيشتر به آن پرداخته شده است. مطهري فلسفه ملاصدرا صرفاً تلفيق اندیشه‌هاي گذشته نمی‌داند، بلکه نظام فلسفي اصیل و بدیعی است که از منابع مختلف پیشینیان به عنوان ماده خام براي صورتی جديد از فلسفه بهره برده است.
از نظر مطهري اين ادعا خطاست. ملاصدرا مانند بسياري ديگر از مؤلفان در مقام تأليف کتب فلسفي که حاوي مسائل فلسفه است اقوال و عبارات ديگران را نيز نقل مي‌کند، اما هيچگاه نظريات فلسفي ديگران را به خود نسبت نمی دهد. او حتي برخي از ابتکارات خود را به پیشینیان نسبت مي دهد تا بهتر مورد قبول واقع گردد. ارکان فلسفه او اصول ابتکاري خود اوست. مطهري بيست و دو مسئله اصلي از حکمت متعالیه را که ملاصدرا در آنها به نوآوری پرداخته است برمي‌شمارد و درباره برخي توضیحاتي را ذکر مي‌کند.

گفت‌وگو از: ابوالفضل عنابستاني